

مریم فیاضی

## کوله پشتهی خبرنگار داوطلب می پذیرد!

حتی شما روست عزیز

دوستان نازنین، عزیزان خوش ذوق کوله پشتهی خون، ما هم چنان در پی کشف استعدادهای درخشان شما هستیم و فکر هم نکنید که تا لایه های پنهان پنهان در اعماق کیفها و کسوها و البته لپ تاپ و تبلت های تان را برای ما ارسال کنید.

برای این که خبرنگار داوطلب کوله پشتهی شوید کافیست دستورالعمل زیر را انجام بدهید:  
۵ اثر از خودتان را در هر قالبی که دوست دارید، شعر، داستان، یادداشت، گزارش، خبر، عکس، نقاشی و ... برای مان بفرستید.  
اسکن شده ی یک قطعه عکس پرسنلی و صفحه ی اول شناسنامه تان را برایمان ارسال کنید.  
مشخصات کامل خود از جمله نام و نام خانوادگی، سن، مقطع تحصیلی و نشانی پستی دقیق و شماره ی تماس خود را در ایمیل ذکر کنید.  
نشانی الکترونیکی کوله پشتهی هم این است:

[koolehposhty@gmail.com](mailto:koolehposhty@gmail.com)

دوستان خوب کوله پشتهی ممنون. برای چی؟ برای ایمیل های خوب تان که پر از داستان و شعر و گاهی هم عکس است. اگر گزارش هایی از اتفاقات شهر و مدرسه تان هم بفرستید پیش تر خوشحال می شویم. فقط برای ارسال آثار تان لطفا به چند نکته پیش تر از بانصد کلمه را در این صفحه ندار. دوم این که حتی المقدور از نوشتن به زبان محاوره خودداری کنید و نکته ی آخر این که کوله پشتهی از چاپ آثار دوستانی که سنین نوجوانی را پشت سر گذاشته اند معذور است.

## احساس خوب فرزنگانی بودن

گزارشی از احساس دانش آموزان فرزنگان

مبارک سادات مرتضوی، ۱۶ ساله از تهران

هفته ی گذشته، اتفاق مهمی در یک کنگره ی بین المللی در کره ی جنوبی افتاد که همه ی ایرانی ها به آن افتخار کردند. مریم میرزاخانی، یکی از بزرگ ترین ریاضی دانان جهان، جایزه ی «فیلدز» را دریافت کرد. این جایزه عالی ترین جایزه ی علمی در رشته ی ریاضیات است و آن را هم سنگ جایزه ی نوبل می دانند.

فارغ از تمام تحقیقات و پژوهش ها و موفقیت های چشمگیر استاد مریم میرزاخانی، او روزی دانش آموز مدرسه ی فرزنگان یک تهران بوده است. یعنی همین مدرسه ای که من و دوستانم در آن درس می خوانیم. راستش به غیر از این که ما ایرانی هستیم و هر ایرانی در چنین موقعیتی به کشورش افتخار می کند، ما احساس های دیگری هم داشتیم. شوق و افتخاری افزون تر.

میترا، یکی از دانش آموزان مدرسه در این باره می گوید: «خیلی احساس افتخار دارم و هیچ بعید نیست که یکی از همین دانش آموزانی که کنارشان درس می خوانیم، روزی کارهای بزرگی بکنند و افتخار بیافرینند».

مریم نیز این گونه فکرمی کرد: «احساس می کنم ما ایرانی ها، در حدی هستیم که بتوانیم همه ی دنیا را مبهور خودمان کنیم. هر چند که از آن ها عقب تر باشیم.» صبا نیز نظر تقریباً مشابهی دارد. او می گوید: «راستش به مدرسه ام افتخار می کنم! و امیدوار می شوم که شاید ما هم بتوانیم چنین کارهایی بکنیم. آرزو که بر جوانان عیب نیست!!»

راستش من هم ذوق کردم. یک جور احساس خودباوری در من تقویت شد. با تمام مشکلات و در هر حال باز هم به ایرانی بودنم افتخار می کنم و به آینده های این سرزمین تاریخی امیدوارم، و برای همه ی نوجوان های مستعد کشورم آرزوی موفقیت دارم.

## پرواز تا ماه

پگاه رخشا، ۱۲ ساله از کرمانشا

(عکس کنار طاق بستان)

به عشق پدرم تا ماه هم می روم، این جا که جایی نیست...



## کوه های سر به فلک کشیده

بردیا صالحی، ۱۳ ساله از بروجرد

آب گهر به عشق نسل های گذشته و آینده کوه های سر به فلک کشیده را می پیماد.

